

پرداخت دیه قاتل را از چوبه دار نجات داد

■ **غلامرضا مسکنی**

قاتلی که سه سال قبل در درگیری خیابانی، پسر جوانی را به قتل رسانده بود یا پرداخت دیه از طناب دار فاصله گرفت. اولیای دم اعلام کردند برای آرامش روح فرزندشان قاتل را می‌بخشند و دیه آن را صرف امور خیریه می‌کنند.

اولایل بهمن ماه ۱۴۰۱ به مأموران پلیس تهران تلفنی خبر رسید چند پسر جوان در نزدیکی میدان قیام در یکی از خیابان‌های جنوب پایتخت درگیری خونینی را رقم زده‌اند.

■ **موتورسوار قاتل**

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی محل شدند و در آنجا دریافتند لحظاتی قبل دو پسر موتورسوار با سه پسر جوان درگیر شده‌اند که در جریان آن یکی از موتورسواران با چاقو یکی از پسران رهگذر را زخمی و سپس هر دو فرار کرده‌اند و پسر زخمی هم به بیمارستان منتقل شده‌است. تحقیقات دربار این حادثه ادامه داشت تا اینکه ساعتی بعد تیم پزشکی بیمارستان اعلام کرد تلاش برای نجات پسر جوان به نام سروش نتیجه‌ای نداده و وی به خاطر اصابت ضربه چاقو به قسمت حساس بدن و خونریزی شدید روی تخت بیمارستان به کالم مرگ رفته‌است.

وقتی مأموران به بیمارستان رفتند، یکی از دوستان مقتول در توضیح حادثه گفت: «من و یکی از دوستانم و مقتول ساعتی قبل از حادثه در نزدیکی میدان قیام در حال پیاده‌روی بودیم. ما قرار بود برای هواخوری و تفریح به پارکی در آن نزدیکی برویم که موتورسیکلتی با دو سرنشین با سرعت سرسام‌آوری از کنار ما عبور کرد، به‌طوری که ما هر سه نفر ترسیدیم. دوستم فریاد زد چه خبر است که آنها به طرف ما می‌دوهند. من به آنها گفتم چه خبر است با این سرعت‌راندگی می‌کنید و اگر ما جا خالی نمی‌دادیم، الان با ما تصادف کرده و جان ما را به خطر انداخته بودید. اعتراض‌ها و گفته‌های ما به آنها بر خورد و همین موضوع باعث مشاجره لفظی مان شد و با هم درگیر شدیم، اما دقایقی بعد با میانجیگری رهگذران و کاسیان محل درگیری ما تمام شد و آنها هم سوار موتورشان شدند و از محل رفتند».

■ **درگیری خونین**

وی ادامه داد: «ما به راه افتادیم تا اینکه در یکی از خیابان‌های اطراف دوباره با دو پسر موتورسوار روبه‌رو شدیم. وقتی به هم رسیدیم، نگاه چپ به هم کردیم و مشاجره لفظی ما شروع شد که این‌بار یکی از آنها چاقویی از جیبش بیرون آورد و ضربه‌ای به سروسر زد. دوست ما خونین روی زمین افتاد و ضارب هم همراه دوستش با موتور از محل به سرعت فرار کردند. ما سروش را به بیمارستان رساندیم، اما ساعتی بعد پزشکان اعلام کردند فوت کرده‌است.» با اطلاعاتی که مأموران به دست آوردند، تحقیقات برای شناسایی و دستگیری عامل قتل و همدستش آغاز شد. تیم جنایی در بررسی فیلم دوربین‌های مدار بسته موفق به شناسایی قاتل به نام پژمان شدند و او را تحت تعقیب قرار دادند. متهم در نهایت پس از چند روز فرار بازداشت و به اداره پلیس منتقل شد.

■ **اظهار پشیمانی**

قاتل پس از انتقال به اداره پلیس با اظهار پشیمانی به درگیری خونین اعتراف و ادعا کرد قصد قتل نداشته‌است. وی گفت: «روز حادثه همراه دوستم با موتورش در خیابان درود در می‌کردیم که در یکی از خیابان‌ها با مقتول و دو دوستش روبه‌رو شدیم و آنها به سرعت موتور ما اعتراض کردند. همین موضوع باعث درگیری مان شد، اما ما میانجیگری مردم خیلی زود تمام شد. دقایقی بعد دوباره آنها با ما روبه‌رو شدند و با هم درگیر شدیم. من قصد قتل نداشتم و فقط می‌خواستم مقتول و دوستش را برسانم و با چاقویی که همراه داشتم ضربه‌ای به طرف آنها پرز کردم و بعد از محل فرار کردیم. فکر نمی‌کردم ضربه چاقوی من باعث فوت پسر جوان شود، اما وقتی باخبر شدم او در بیمارستان فوت کرده‌ا ترس فرار کردم. در این مدت علوبچندان داشتم و حتی شب‌ها نمی‌خوابیدم و کلبوس می‌دیدم. می‌خواستم خودم را به پلیس معرفی کنم که مأموران مرا بازداشت کردند. خیلی پشیمان هستم و از اولیای دم در خواست بخشش دارم.»

■ **حکم قصاص**

متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه قتل راهی زندان و مدتی بعد در دادگاه کیفری یک تهران پای میز محاکمه خواند شد. قاتل در دادگاه دوباره اظهار پشیمانی و در خواست بخشش کرد، اما اولیای دم برای قاتل در خواست قصاص کردند. قضات دادگاه پس از شنیدن دفاعیات متهم، او را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کردند. رأی دادگاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد.

■ **جلسات صلح و سازش**

چندی قبل پرونده‌وی مزین قاضی امنی کرمانی‌نژاد، سرپرست اجرای احکام دادسرای امور جنایی قرار گرفت و وی برای جلب رضایت اولیای دم اقدام به برگزاری جلسات صلح و سازش کرد. چندین جلسه صلح و سازش با حضور اولیای دم برگزار شد، اما پدر مقتول در تمامی جلسات اصرار به قصاص داشت تا اینکه چند روز قبل به شعبه چهارم اجرای احکام رفت و اعلام کرد تصمیم دارد قاتل را ببخشد.

■ **آرامش روح مقتول**

وی گفت: «ما تصمیم داشتم حکم قصاص را اجرا کنیم، اما مدتی قبل از طریق مددکاران زندان متوجه شدیم قاتل در زندان قرآن می‌خواند و رفتار خوبی دارد و مسئولان زندان هم از او راضی هستند. آنطور که فهمیدیم او در کارهای خیر هم شرکت می‌کند، به همین دلیل تصمیم گرفتم برای آرامش روح فرزندم قاتل را ببخشم و از خانواده‌اش دیه بگیرم. من نمی‌خواهم دیه را صرف امور خیریه کنم و از طرفی هم به قاتل زندگی دوباره ببخشم.» با درخواست اولیای دم، خانواده قاتل اعلام کردند حاضرند دیه مقتول را پرداخت کنند. بنابراین با اقدام خداپسندانه اولیای دم، قاتل از قصاص نجات پیدا کرد و به روزی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک تهران محاکمه می‌شود.

آکهی الصاق قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲۲
برابر تقاضای کتبی متقاضی، تصدیق دیدار ملاک ذیل واقع در بخش ۲۲-ارومیه روستای دیزلی و قلات رش بلاک ۶-۵- اصلی حوزه ثبتی شهرستان بیرانشهر به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت به عمل خواهد آمد.
۱.خداشداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۹۸۸/۸۴ مترمربع تحت بلاک ۳۲۷ فرعی از ۵ اصلی روستای دیزلی مورد تقاضای آقای سید مراد باب گوره به شماره ملی ۲۸۹۵۲۲۹۷۲ برابر مدارک موجود در پرونده.
۲.خداشداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۵۲۸/۱۲ مترمربع تحت بلاک ۳۲۵ فرعی از ۵ اصلی روستای دیزلی مورد تقاضای آقای سید مراد باب گوره به شماره ملی ۲۸۹۵۲۲۹۷۲ برابر مدارک موجود در پرونده.
۳.خداشداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۰۱۸ مترمربع تحت بلاک ۳۲۴ فرعی از ۵ اصلی روستای دیزلی مورد تقاضای آقای سید مراد باب گوره به شماره ملی ۲۸۹۵۲۲۹۷۲ برابر مدارک موجود در پرونده.
۴.خداشداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۲۳۲/۶۳ مترمربع تحت بلاک ۵۲۸ فرعی از ۵ اصلی روستای قلعه تراش مورد تقاضای آقای سید مراد باب گوره بشماره ملی ۲۸۹۵۲۲۹۷۲ برابر مدارک موجود در پرونده.
۵.خداشداگ ۱۴۰۴/۴/۱۵ لدا به مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع در کنار یک موق پرستاده که در تاریخ تصدیق تعیین شده در محل وقوع ملک حضور بهم رسانند و کسانیکه به حدود یا حقوق از تقاضای اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ تصدیق حدود نهایت ۳۰- روز اعتراضی خود را ادجری ماده ۲۰۰- قانون ثبت به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بیرانشهر تسلیم و رسید دریافت دارند.

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۲/۰۸
شاهه اکهی

آکهی الصاق قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲۲
بدینوسیله در اجرای بند دوم ماده یک قانون الحاقی موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید عرضه و مسکن و ماده ۱۰ آیین نامه اجرائی آن آرا صادر از هیات موضوع بند آماده یک قانون مستقر در واحد ثبتی شهرستان و مربوط به متقاضیانی که در اجرای قانون فوق الذکر تقاضای ثبت نموده اند، به شرح ذیل جهت اطلاع عموم آگاهی می شود. ۱- رأی شماره ۲۰۰۱ مورخ ۱۳۴۰/۱۱/۱۹ خاتم بنویل علی فردی خداشداگ یک بابخانه قسمتی از بلاک ۲۰۷ واقع در در لانداینوسیله اعلام می دارد. اشخاصی که نسبت به اصل ملک اعتراض دارند از تاریخ الصاق با انتشار این آگاهی و اشخاصی که نسبت به تعدید حدود و حقوق از تقاق اعتراض دارند، از تاریخ تنظیم صور تمجلس تعدید حدود ظرف مدت بیست روز باید اعتراض خود را به صورت مکتوب به اداره ثبت اسناد و املاک در تسلیم نمایند و طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی به ثبت در دادخواست خود را به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک در تسلیم نمایند؛ رسیدگی به این گونه اعتراضات در دادگاه خارج از نوبت خواهد بود. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض از موعد مقرر و با تحویل عدم تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک در عملیات ثبتی با رعایت مقررات تعقیب خواهد شد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۲/۰۸ — ۱۴۰۴/۰۲/۰۸
عبدالعزیز نصار یوسنی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دیر



هواپیماهای ایلوشین سپاه و بالگردهای آتش نشانی این نیرو نقش مهمی در خاموش کردن آتش داشتند

ایران در غم بندر عباسی

■ **حسین فصیحی**

چشم‌های خونین ایران به بندر ر جایی بندرعباس دوخته شده است، جایی که آتش و انفجار های دور روز قبل آن، خانواده‌های بسیاری را سسوگوار و دل های مردم را به آنها نزدیک کرد. همزمان با وقوع حادثه، دولت تمام تلاش خود را برای مهار بحران به کار گرفت، امروز را عزای عمومی و کشوروهای بسیاری هم خود را در غم این فاجعه با مردم همراه کردند.

حنگ و حادثه؛ اولی را از سر گذراندیم و از میان آسیب‌های آن رشد کردیم. جنگ گزینهای ناگزیر بود که با آن درگیرمان کردند، اما عمده حوادث پس از آن گزینهمایی نیستند که نتوان جلوگیری

را گرفت، شاید به همین دلیل است که این روزها عکس‌های مشابهی از خر مشهر و بندرعباس در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شود. عکس‌هایی که در آن نماد مقاومت توی ذوق می‌زند. در وقوع این اتفاق هابیشتر حادثه‌مثل حادثه معدن طیس، از سر یک بی‌احتیاطی اتفاق می‌افتد و ۵۲ خانواده را تا پایان عمرشان نادگار می‌کند، برای همین ما حادثه‌ها را از سر نگذراندیم، بلکه از درون یک اتفاق به اتفاقی دیگر پر تاب شدیم.از حادثه‌اتوبوس دختران نخبه کرمانی به آغوش قربانیان چهارشنبه‌سوری و از آنجا به کشته‌های سفرهای نوروزی و حالا دو روز است آتشی در بندرعباس روشن شده که شعله‌هایش همچنان وجودمان را می‌سوزاند و داغ آن را بر دلمان می‌گذارد. بیش از همه، وجود خانواده‌های ۴۰ هموطن بی‌گناهی که در این حادثه جان باختند و مشخص نیست پیکر سوخته چند نفر دیگر میان خاکسترهای حادثه پیدا و شمار جانباختگان بیشتر و بیشتر شود. همین‌طور آنهایی که عزیزانشان روی تخت بیمارستان با مرگ دست به گریباندن و هزار و ۲۴۱ عضو خانواده‌ای که در این حادثه جراحت برداشتند، با این حال این اتفاق‌ها خواسته یا ناخواسته دل‌های مردم را کتاکر هم‌نگه داشته‌است، هرچند حساب آنهایی که کوزه‌های‌شان منجر به جانباختن مردم بی‌گناه می‌شود

دیگران جنای می‌ماند.همین حس همدردی است که سبب می‌شود وقتی برای مجروحان حادثه نیاز به خون اعلام می‌شود، صف‌های اهدای خون در مراکز انتقال خون شهرهای دور و نزدیک تشکیل می‌شود و ساعتی بعد از آن دانشگاه علوم پزشکی هرمان گزارش می‌دهد ظرفیت پذیرش در انتقال خون بندرعباس تکمیل و جایی برای نگهداری خون وجود ندارد. در شهرستان رشت هم ۵۰۰ نفر از کسانانی که در نوبت انتقال خون قرار گرفتند، شماره‌های تماس‌شان را در اختیار امدادگران قرار دادند تا در صورت نیاز به فوریت خون‌هایشان را اهدا کنند

■ **عطش آتش**

دیروز خورشید که در بندرعباس طلوع کرد، آتش‌نشانان هنوز با آتش سرکش دست به گریبان بودند، انگار حریق با نوشیدن آن همه آب، هارتر شده بود، برای همین گروهی از امدادگران در حال دور کردن کانتینرهای حاوی کالازا حوالی آتش بودند و گروهی از آتش‌نشانان هوافضا از آسمان، دل آتش را سرد می‌کردند. هواپیماهای ایلوشین سپاه و بالگردهای آتش‌نشانی این نیرو در چندین عملیات نقش مهمی در خاموش کردن بخش اعظم آتش داشتند. با این حال انگار آتش خیال سرد شدن ندارد و ورزش باد مهار آتش را دشوارتر می‌کند. جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران که همراه تیمی از آتش‌نشانان زبده در حال امداد است از آتش ترکیبی حرف می‌زند و به «جوان» می‌گوید: «وقتی به محل رسیدیم، حجم زیادی از آتش در محل نگهداری کانتینر ها دیده می‌شد. انفجارهایی هم رخ می‌داد که ناشی از داغ شدن کانتینرها و حبس حرارت بود. آتش‌سوزی از نوع آتش‌سوزی‌های ترکیبی است، یعنی پارچه، لوازم خودرویی، قیصر، پارافین، محصولات غذایی و کلمپیوتری، مواد نفتی و شیمیایی و حتی گوشت و ماهی هم وجود دارد.»

■ **صدای انفجار**

ملکی درباره شنیده شدن صدای ممتد انفجار از فاصله‌های دور هم

■ **آرمین بینا**

سه‌مرد اتباع غیر مجاز که در بازار عبدالآباد در جنوب تهران از دختر پنج ساله‌ای را ربوده بودند، از سوی مردم بازداشت شدند.

شامگاه پنج‌شنبه چهارم اردیبهشت زن و مرد جوانی که همراه دختر پنج‌ساله‌شان به بازار عبدالآباد در جنوب تهران رفته‌بودند تا گناهان متوجه‌شند دختر خردسال‌شان کنارشان نیست. زن و مرد جوان ابتدا فکر کردند کودک‌شان در همان نزدیکی در حال بازی یا تماشا می‌وتیرن مغازه‌ها است، اما هر چه اطراف را جست‌وجو کردند خبری از او پیدا نکردند.

■ **۲ کودک را**

آنها فهمیدند دخترشان گم شده‌است و سراسیمه و وحشت‌زده از کوچه‌ای به کوچه دیگری می‌رفتند و نام دخترشان را فریاد می‌زدند. فریادهای زن و مرد در بازار بلند شده‌بود و اهالی محل، کاسبان و رهگذران همه متوجه شدند دختر خردسالیشان گم شده‌است. مشخصات دختر گمشده با فاصله در اختیار رهگذران قرار گرفت و تعداد زیادی از مردم خودجوش برای پیدا کردن ردی از دختر گمشده شروع به جست‌وجو کردند. لحظاتی به سرعت می‌گذشت و دختر گمشده آب شده و به زمین رفته‌بود. زن و مرد جوان ناامید و اشک در چشمانشان

نجات دختر بچه ۵ساله از چنگال ۳ تبعه غیر مجاز

جاری بود که چند مرد در یکی از کوچه‌های بازار دیدند سه مرد اتباع دختر خردسال و گریانی را بغل کرده و قصد دارند از بازار خارج کنند. مشخصات دختر گریان با مشخصات دختر گمشده یکی بود و جست‌وجوگران فهمیدند سه مرد جوان

در حال ربودن دختر خردسال هستند. فریادهای «ای درذ، آی درذ» در بازار عبدالآباد به آسمان بلند شد و تعداد زیادی رهگذر برای نجات دختر ربوده‌شده به سوی سه مرد کودک‌درا رفتند. متهمان با دیدن این صحنه کودک‌را رها و فرار کردند، اما یکی از آنها در دام مردم گرفتار شد و دو نفر دیگر موفق به فرار شدند.

■ **آغوش مادر**

لحظاتی بعد دختر پنج‌ساله مادرش را به آغوش گرفت و متهم دستگیر شده هم تحویل مأموران پلیس تهران شد. پدر دختر خردسال به مأموران گفت: «برای خرید به بازار آمده‌بودیم و دخترم لحظاتی دست مرا و اشخاصی که نسبت به مادرش را می‌گرفت، از این مغازه به آن مغازه می‌رفتم و دخترمان هم در کنار ما بود تا اینکه در وسط بازار متوجه شدیم دخترمان کنارمان نیست. هر چقدر به اطرف نگاه کردیم، او را ندیدیم و فهمیدم او در شلوغی بازار گم شده‌است. ترس و وحشت سراپای ما را گرفته‌بود که با داد و فریاد از مردم

شهادت محیط‌بان در درگیری با شکار چپان غیر مجاز

کازم مصدق، محیط‌بان ۴۵ساله پارک ملی گلستان شامگاه شنبه ششم اردیبهشت‌ماه در درگیری با شکار چپان غیر مجاز به شهادت رسید.



او را به شهادت رساندند و در تاریکی شب فرار کردند. وی افزود: کازم مصدق ۱۴ سال سابقه محیط‌بانی، متولد ۱۳۵۹، متأهل و پدر دو فرزند بود که زندگی‌اش را وقف حفاظت از گنجینه طبیعی ایران کرده بود. سردار سعید داگر، فرمانده انتظامی استان گلستان هم درباره این خبر گفت: پس از اعلام شهادت محیط‌بان پارک ملی، با فاصله تیمی ویژه از کارآگاهان پلیس آگاهی برای دستگیری عاملان قتل وارد عمل موفق شدند دو نفر مظنون در این پرونده را در یکی از روستاهای شهرستان کاله دستگیر کنند. تحقیقات در خصوص جزئیات پرونده در دست بررسی است.

آکهی الصاق قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲۲
بدینوسیله در اجرای بند دوم ماده یک قانون الحاقی موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید عرضه و مسکن و ماده ۱۰ آیین نامه اجرائی آن آرا صادر از هیات موضوع بند آماده یک قانون مستقر در واحد ثبتی شهرستان و مربوط به متقاضیانی که در اجرای قانون فوق الذکر تقاضای ثبت نموده اند، به شرح ذیل جهت اطلاع عموم آگاهی می شود. ۱- رأی شماره ۲۰۰۲ مورخ ۱۳۴۰/۱۱/۱۹ خاتم بنویل علی فردی خداشداگ یک بابخانه قسمتی از بلاک ۲۰۷ واقع در در لانداینوسیله اعلام می دارد. اشخاصی که نسبت به اصل ملک اعتراض دارند از تاریخ الصاق با انتشار این آگاهی و اشخاصی که نسبت به تعدید حدود و حقوق از تقاق اعتراض دارند، از تاریخ تنظیم صور تمجلس تعدید حدود ظرف مدت بیست روز باید اعتراض خود را به صورت مکتوب به اداره ثبت اسناد و املاک در تسلیم نمایند و طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی به ثبت در دادخواست خود را به مرج ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک در تسلیم نمایند؛ رسیدگی به این گونه اعتراضات در دادگاه خارج از نوبت خواهد بود. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراضی از موعد مقرر و با تحویل عدم تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک در عملیات ثبتی با رعایت مقررات تعقیب خواهد شد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۲/۰۸ — ۱۴۰۴/۰۲/۰۸
عبدالعزیز نصار یوسنی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دیر

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۲/۰۸ — ۱۴۰۴/۰۲/۰۸
روزنامه جوان

آکهی الصاق قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲۲
بدینوسیله در اجرای بند دوم ماده یک قانون الحاقی موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید عرضه و مسکن و ماده ۱۰ آیین نامه اجرائی آن آرا صادر از هیات موضوع بند آماده یک قانون مستقر در واحد ثبتی شهرستان و مربوط به متقاضیانی که در اجرای قانون فوق الذکر تقاضای ثبت نموده اند، به شرح ذیل جهت اطلاع عموم آگاهی می شود. ۱- رأی شماره ۲۰۰۱ مورخ ۱۳۴۰/۱۱/۱۹ آقای حمید جعفر خوششداگ یک بابخانه قسمتی از بلاک ۲۰۵ واقع در در لانداینوسیله اعلام می دارد. اشخاصی که نسبت به اصل ملک اعتراض دارند، از تاریخ الصاق و اشخاصی که نسبت به تعدید حدود و حقوق از تقاق اعتراض دارند، از تاریخ تنظیم صور تمجلس تعدید حدود ظرف مدت بیست روز باید اعتراض خود را به صورت مکتوب به اداره ثبت اسناد و املاک در تسلیم نمایند و طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی به ثبت در دادخواست خود را به مرج ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک در تسلیم نمایند؛ رسیدگی به اینگونه اعتراضات در دادگاه خارج از نوبت خواهد بود بدیهی است، در صورت عدم وصول اعتراض از موعد مقرر و با تحویل گواهی عدم تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک در عملیات ثبتی با رعایت مقررات تعقیب خواهد شد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۲/۰۸ — ۱۴۰۴/۰۲/۰۸
عبدالعزیز نصار یوسنی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دیر